

# عقلانیت؛ شالوده مهاجرپذیری

## Rationality; the foundation of immigration

شهرزاد مسلمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

Shahrzad.m.k.75@gmail.com

### چکیده

«چرا سیل مهاجرت به سوی یک سری کشورهای خاص سرازیر می‌شود؟» بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷ کشورهای آمریکا، عربستان سعودی و آلمان به ترتیب اولین تا سومین کشورهای مهاجرپذیر در دنیا هستند. برای بررسی سوال خود به سراغ کشور آلمان و شرایط مهاجران در آنجا می‌رویم. علت این انتخاب هم این بوده که ما در کمتر از یک قرن پیش با آلمانی مواجه بودیم که یهودیان را به سمت کوره‌های آدم‌سوزی به کمپ مرکزی می‌فرستاد؛ این یعنی یهودستیزی و ملی‌گرایی که بیانگر عدم پذیرش غیرخودی‌هاست؛ حال در کمتر از یک قرن به سومین کشور مهاجرپذیر در دنیا تبدیل می‌شود. بررسی‌ها ما را به این نکته می‌رساند که از میان سه پیوند اقتصادی، عاطفی و عقلانی آنچه که موجب تثبیت مهاجران در جامعه مقصد می‌شود، نه پیوند اقتصادی بلکه در واقع همان پیوند عقلانی میان مهاجران و مردم بومی است.

**کلمات کلیدی:** مهاجرپذیری، پیوند اقتصادی، پیوند عاطفی، پیوند عقلانی

### مقدمه

آلمانی می‌داشتید تا شهروند آلمان باشید اما در حال حاضر اگر برای هشت سال مقیم قانونی این کشور باشید یا پدر و مادرتان آن‌جا به دنیا آمده باشند، اخذ شهروندی این کشور ممکن می‌شود؛ حتی اگر ملیت دیگری داشته باشید. در واقع هدف از بیان این مسئله این بوده که از سال ۲۰۰۰ به بعد، آلمان از تجربه‌اش از ترک‌ها و دیگر مهاجران آموخته است که قوانین شهروندی‌اش را معتدل‌تر کند.

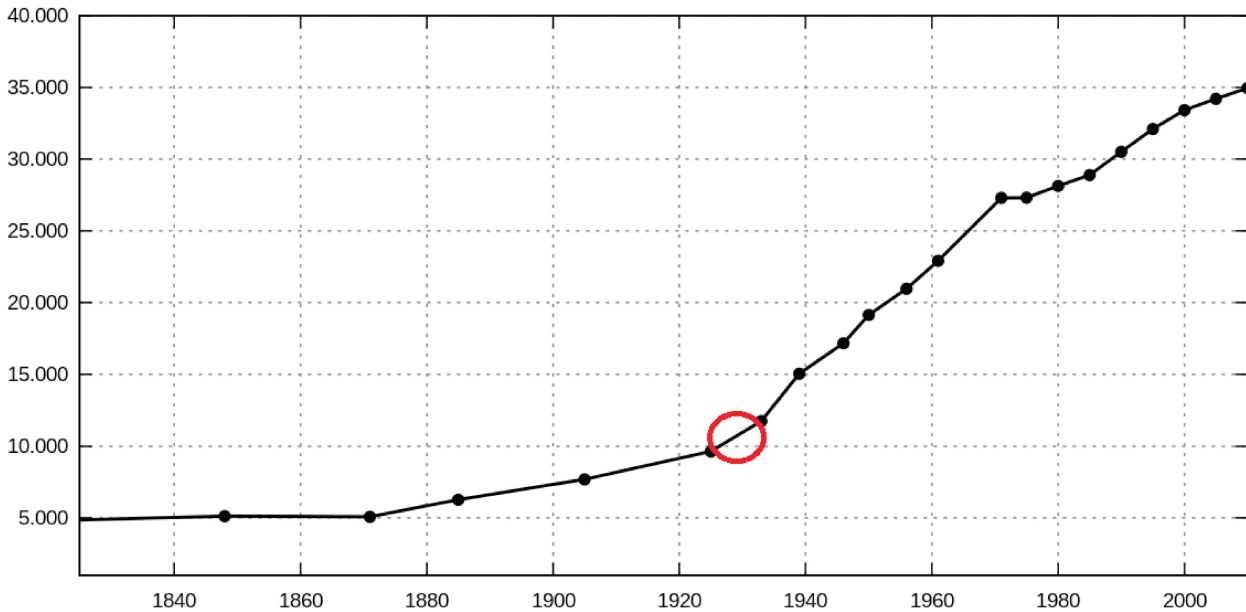
لازم به ذکر است که در کنار سیاست‌های مهاجرتی، قانون اساسی آلمان حق پناهندگی سیاسی را نیز تضمین می‌کند و مردم آلمان سعی می‌کنند به جای اینکه به سوی پناهندگان سنگ پرتاب کنند یا به آن‌ها بی‌احترامی کنند، به آن‌ها یاری برسانند. آن چیزی که مورد توجه است، این است که خود آلمانی‌ها نیز به‌طور شخصی و داوطلبانه در کمک به مهاجران سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ که از کمک به حضور بچه‌ها در مدارس حرفه‌ای و کلاس‌های مخصوص مهاجران گرفته تا کمک به آشنایی و درونی‌کردن فرهنگ آلمانی را در برمی‌گیرد.

آلمان تا سال ۲۰۵۰ به نیم میلیون مهاجرت خالص در سال

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۷؛ مهاجرت گسترده بین‌المللی در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است؛ از ۱۷۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به ۲۸۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ رسیده که ۶۰ درصد این مهاجران از آسیا بوده و اولین مقصدشان نیز آمریکا، عربستان سعودی، آلمان و روسیه به ترتیب مقاصد دوم و سوم و چهارم هستند. همچنین در سال ۲۰۱۷ به‌طور مشخص، هند سرچشمه و مبدأ مهاجران بین‌المللی بود که در این بین زنان نیز تقریباً نیمی از آنان را تشکیل می‌دادند و ۷۴ درصد مهاجران نیز در سنین کار و فعالیت اقتصادی قرار دارند [1].

### آلمان سومین کشور مهاجرپذیر در دنیا

بعد از جنگ جهانی دوم آلمان بالغ بر ۵۰ میلیون مهاجر پذیرفت. با انفجار اقتصادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، آلمان شرقی نیازمند به نیروی کار شد. آن‌ها اول از ایتالیا، یونان و اسپانیا نیروی کار تازه وارد کردند؛ اما تعداد زیادی از کارگران از کشور ترکیه بودند. تا قبل از سال ۲۰۰۰ شما باید خون



رشد جمعیت آلمان بعد از جنگ جهانی دوم

علاوه بر نزدیکی، بتوانند آداب و رسوم و فرهنگ جامعه مبدأ خود را در زندگی روزمره‌شان داشته باشند. در واقع شما با وارد شدن به این مناطق و قرار گرفتن در آن، نمی‌دانید که دقیقاً در کجا هستید! مثل: شهر چین، ایتالیای کوچک یا همان صدها آلمان کوچکی که در کشور آمریکا وجود دارد. اما آلمان نمی‌تواند این شیوه از زندگی مهاجران را به رسمیت بشناسد.

نایکا فروتن<sup>۱</sup>، جامعه‌شناس ایرانی-آلمانی معتقد است که این وحشت آلمانی‌ها واقعی نیست، بلکه یک وحشت فرهنگی است. این گونه که آن‌ها نگران چالش‌هایی فرهنگی هستند که با وجود فرهنگ‌های دیگر، می‌تواند برای جامعه آلمان تهدیدکننده باشد. چنین چیزی باعث می‌شود که شروع فعالیت اقتصادی مهاجران با تأخیر بوده و حس تماماً پذیرفته شدن در آلمان نیز هرگز آسان نباشد. در واقع اکثر آلمانی‌ها به طور عقلانی مهاجران و مسلمانان را می‌پذیرند اما به طور احساسی قادر به چنین پذیرشی نیستند [2].

### پیوندهای استخراج شده بین مهاجران و کشور آلمان

پیوندها	آلمان
پیوند اقتصادی	+
پیوند عاطفی	-
پیوند عقلانی	+

نیاز دارد. از طرفی بسیاری از پناهندگان، نیروی آموزش دیده کشور نبوده و حتی برای ورود به برنامه‌های کورزی نیز آماده نیستند؛ آژانس کارگری فدرال آلمان نیز تخمین می‌زند که نیمی از پناهندگان بعد از گذشت ۵ سال، وارد چرخه اقتصادی نشده و همچنان بیکار می‌مانند. از طرف دیگر پتانسیل‌های اقتصادی این کشور در سطح بسیار مطلوبی است و نرخ بیکاری نیز در آن پایین است و در سال ۲۰۱۵ تقریباً ۱۹ میلیارد یورو مازاد بودجه داشته است [2]. در واقع آلمان قادر است مهاجران و پناهندگان را در تشکیلات اقتصادی خود به گونه‌ای سازماندهی و بر آن‌ها سرمایه‌گذاری کند که به تمامی آلمانی‌ها سود برساند اما در نهایت این توانایی بالقوه، آن گونه که انتظار می‌رود بالفعل نمی‌شود. چرا؟

### وحشت آلمان از جامعه موازی

«جامعه موازی» یک واژه ابداعی زبان آلمانی است که در سال ۱۹۹۶ به عنوان یک اصطلاح جامعه‌شناختی به کار گرفته شد و به طور مشخص، مقصود آن جداسازی اجتماع مهاجران بوده؛ آن‌هایی که پیشینه اسلامی یا ترک داشتند. در واقع منظور وضعیتی است که در آن مهاجران به صورت داوطلبانه و آگاهانه برای جداسازی خود از جامعه‌ای که در آن هستند تلاش می‌کنند، مهاجرانی که مایل به ادغام با جامعه آلمان نیستند [3]. به عبارت دیگر در جامعه موازی خانواده‌هایی که از یک مبدأ مشترک هستند، ترجیح می‌دهند در جامعه مقصد نیز در نقاطی مشخص و در مجاورت همدیگر زندگی کنند؛ تا

به مهاجرت برمی‌گردیم؛ سیاست‌های مربوط به مهاجرت در آلمان با وجود موانع اقتصادی اولیه، در نهایت به نتایج مثبتی منتهی می‌شود. چرا؟ چون آن تغییر نگرشی که مورد نظر این کشور بوده، اتفاق افتاده است. اینکه مردم آلمان با چشم‌پوشی نسبت به فقدان پیوند عاطفی با مهاجران، نوعی نگرشی منطقی را در پیش می‌گیرند که باتوجه به شرایط مهاجران و همچنین نیاز غیرقابل‌انکار آلمان به رشد جمعیت، به تثبیت آن‌ها در این کشور کمک می‌کند.

این نوع از فرایند پذیرش، پیامد جالب‌توجهی در سطحی کلان‌تر برای آلمان دارد و آن هم افزایش اعتبار جهانی است. بدین معنا که آلمان با موفقیت در سیاست‌گذاری مربوط به مهاجرپذیری، توانایی‌هایش را در ابعاد مختلف اقتصادی اجتماعی و عقلانی در جامعه جهانی به نمایش می‌گذارد و تصویری که از خود ارائه می‌دهد به مثابه جامعه‌ای است که می‌تواند برای مردم بومی خودش و افرادی که به این کشور پناه می‌آورند، یک مأمن باشد. همچنین فرصت‌های بیشتری نیز برای بهبود وضعیت مهاجران به‌وجود می‌آید که به نفع جامعه آلمان خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

مهاجرپذیری در کشور آلمان بیش از آنکه یک مسئله اقتصادی لحاظ شود، یک توانایی عقلانی برای برقراری یک تعامل عقلانی بین مهاجران و مردم بومی است.

بر اساس آنچه در دو بخش قبل ارائه شد می‌توان سه پیوند از میان مباحث گفته‌شده استخراج کرد: یک) پیوند عاطفی، دو) پیوند اقتصادی سه) پیوند عقلانی. پیوند عاطفی بین مهاجران و جامعه آلمان، که بر اساس پیشینه تاریخی این کشور چیز دور از انتظاری نیست، وضعیت مطلوبی ندارد و اگر هم چنین پیوندی وجود داشته باشد در ضعیف‌ترین سطح برقرار است. در بُعد اقتصادی ارتباط بین مهاجران و مردم بومی با تأخیری چند ساله ایجاد شده و با وارد شدن مهاجران به بازارکار، این پیوند اقتصادی به آرامی برقرار می‌شود. در سطح عقلانی، ما با وضعیت متفاوتی روبه‌رو هستیم؛ بدین صورت که افراد پس از اینکه به کشوری مهاجرت می‌کنند معمولاً با چالش‌های مختلفی از قبیل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همچنین در مورد جامعه آلمان با چالش مهم‌تری مانند زبان آلمانی مواجه می‌شوند. نکته‌ای که در مورد مردم بومی این کشور وجود دارد این است که آن‌ها ابتدا به تمامی این چالش‌ها از روزه یک مسئله انسانی نگاه می‌کنند و با به‌اشتراک گذاشتن این دیدگاه به هموارتر شدن چالش‌ها و مسائل مهاجران کمک می‌کنند. به عبارتی این توانایی عقلانی برای برقراری یک تعامل منطقی و عقلانی با مهاجران، موجب ایجاد اعتماد در مهاجران می‌شود. این بیانگر همان پیوند عقلانی است که بین مهاجران و جامعه آلمان برقرار شده و با وجود شرایط اقتصادی و مالی سخت مهاجران در سال‌های اولیه، آن‌ها را در این کشور تثبیت می‌کند.

### و اما اعتبار جهانی

برای درک بهتر این بخش یک مثال ساده می‌تواند کمک‌کننده باشد. طی سه دهه گذشته آلمان همواره سیاست افزایش جمعیت را در پیش گرفته و در چند سال اخیر نیز امکانات و خدمات رفاهی متعددی جهت مراقبت از کودکان ارائه می‌کند؛ اما متوسط فرزند هر خانواده آلمانی همچنان بر عدد یک ثابت مانده است! چرا؟ چون سیاست‌گذاری‌ها، اقدامی برای تغییر نگرش هستند و تا زمانی که نگرش مردم نسبت به فرزندآوری تغییر نکند این عدد نیز تغییر نخواهد کرد. حال

### منابع

- [1] United nations. International migration report. New York: 2017
- [2] Kuzing R. in Europe, Germany has taken in the most refugees \_ and struggled the most with their impact on its culture. NAT GEO mag. 2016; 128:100-115
- [3] Hiscott W. "parallel societies- a neologism gone bad", multicultural center prague. 2011; available from: [https://aa.ecn.cz/img\\_upload/3bfc4ddc48d13ae0415c78ceae108bf5/WHiscott\\_Parallel\\_Societies.pdf](https://aa.ecn.cz/img_upload/3bfc4ddc48d13ae0415c78ceae108bf5/WHiscott_Parallel_Societies.pdf)